



مطالعه مسولیت مدنی در فقه و حقوق جمهوری اسلامی ایران

دکتر پرویز باقری^۱، ابراهیم فریادیان^۲

۱- استادیار گروه حقوق دانشگاه ایلام

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه پیام نور

چکیده

مسئولیت مدنی آن است که اگر شخصی به دیگری خسارت وارد کند آن شخص موظف به جبران خسارت دیگری باشد و در برابر او مسئولیت مدنی دارد و ضامن است. هر عقل سالم و با شعوری می داند که هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند، مگر در مواردی که ورود ضرر به دیگری، به موجب قانون باشد و قانون اجازه آن را داده باشد. مسئولیت مدنی چه ناشی از عمد باشد یا خطا، آثار آن را قانون معین می کند. مسئولیت مدنی در فقه نیز در کلام و گفتار بزرگان و علمای دین آورده شده و می توان گفت که قبل از اینکه در کتب حقوقی و بصورت قانون در بیاید فقه آنرا ارائه کرده است. مسئولیت در فقه بر مبنای اتلاف استوار می باشد. چرا که باوجود این رابطه است که می توان مسئولیت را اعمال نمود. در حقوق اسلام همین اندازه که در نظر عرف بتوان اضرار ناروایی به کسی نسبت داد او ضامن جبران خسارت می شود. این مقاله بیان می کند که مسئولیت مدنی در فقه و حقوق ایران، بر این اصل استوار است که عامل ضرر در برابر ضرر دیده مسئول است و بایستی ضرر را جبران و آثار آن را تا جاییکه ممکن است از بین ببرد. **کلمات کلیدی:** مسولیت مدنی، فقه، حقوق، خسارت.



مقدمه

هر کسی نسبت به اعمالی که عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی، مال یا آزادی، حیثیت و یا شهرت دیگری لطمه‌ای وارد کند، چه مادی و چه معنوی مسئول است و خسارت ناشی از عمل خود را نیز باید جبران کند. به عقیده برخی از حقوق دانان در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می‌گویند در برابر او مسئولیت دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۴). هدف اصلی مسئولیت مدنی این است که ضرر به طور کامل جبران شود و تا حد ممکن تلاش شود زیان دیده در وضعیت قبل از ورود خسارت قرار گیرد. مسئولیت مدنی زمانی بوجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه زند و در اثر آن زیانی به آن وارد آورد (امامی، ۱۳۸۴).

هرگاه شخصی متعهد به جبران خسارت وارده به دیگری باشد که این خسارت عرفاً "منسوب به وی باشد و شخصی هیچ حق مشروعی در اضرار به غیر نداشته باشد، مسئولیت مدنی در جبران خسارت خواهد داشت (یزدانیان، ۱۳۸۸).

جبران خسارت و برگرداندن شرایط به شرایط قبل از ضرر و خسارت به زیان دیده هدف اصلی مسئولیت مدنی و شاید بتوان اصل لزوم جبران خسارت را مهم‌ترین اصل حاکم بر مسئولیت مدنی دانست. بر مبنای این اصل باید تلاش شود تا هیچ خسارتی جبران نشده باقی بماند. اهمیت این اصل به گونه‌ای است که حتی برخی از اساتید فرانسوی از آن به عنوان حق جبران خسارت نام برده اند (ژروردن، پاتریس، ۱۳۸۵). بنابراین راه‌هایی برای جبران خسارت زیان دیده بیان شده است که از آنها برگرداندن وضع زیان دیده به حالت قبل از ورود ضرر و دیگری جبران خسارت از طریق دادن معادل آن می‌باشد. بی تردید وجود ضرر نه تنها رکن اصلی مسئولیت مدنی است که مبنای حق مطالبه برای زیان دیده نیز می‌باشد (بهرامی، ۱۳۸۱، ص ۲۱). علاوه بر این امکان کشف ملاک احکام و تعمیم آن در نگاه فقهی نیز یکی دیگر از مبانی عقلی تطبیق مقررات مسئولیت مدنی با تحولات جامعه می‌باشد (قماش، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰).

بر اساس نگاه‌های جدید هدف مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده و تسلی خاطر وی، مجازات خطاکار و بازداشتن فاعل و دیگران از ارتکاب مجدد فعل زیانبار و ایجاد صلح و ثبات و برقراری اخلاقی خاص در جامعه است (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۰). ایجاد ضرر و خسارت می‌تواند از طریق شخص حقیقی یا حقوقی باشد. در ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی گفته شده است که: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند، ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده‌ی اداره یا مؤسسه‌ی مربوطه است، ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود».

مفاهیم



مسئولیت: مسوولیه. مصدر صناعی یا جعلی از مسئول. ضمانت. ضمان. تعهد. مواخذه.

- مسئولیت داشتن؛ مسئول بودن. متعهد بودن. موظف بودن.

در اصطلاح حقوقی، تعهد قهری یا اختیاری شخص در مقابل دیگری است (خواه مالی باشد خواه غیرمالی). و آن بر دو قسم است: یکی مسئولیت جزائی و آن مسئولیتی است که قابل تقویم به پول نباشد، و دیگری مسئولیت مالی یا مسئولیت مدنی که مسئولیتی است قابل تقویم به پول. (لغت نامه دهخدا)

مسئولیت در مقابل خسارتی که شخص یا اشیاء بر تحت حراست او به دیگری وارد کند و همچنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد را مسئولیت مدنی گویند (نجومیان، ۱۳۴۸).

مسئولیت مدنی:

مسئولیت مدنی عبارت است از هر گونه تعهد و التزامی که قانون بر عهده ی شخص مقصر و خطاکار قرار داده است تا زیان وارده به شخص یا اشخاص دیگر را جبران کند. برای فعلیت بخشیدن به مسئولیت مدنی ارکانی لازم است.

ارکان ثابت مسئولیت مدنی عبارتند از ضرر، فعل زیان بار و ضرر وارده (باریکو، ۱۳۸۵، ص ۶۰). در ادبیات حقوقی از رکن متغیری نیز به عنوان تقصیر یاد شده است. البته برخی تقصیر را رکن مسئولیت مدنی قلمداد ننموده و آن را به عنوان مبنای مسئولیت مدنی می دانند (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۳۳۴).

۱- ضرر: ضرری که در مسئولیت مدنی وجود دارد، ضرر عرفی است و عرف است که مشخص می کند ضرر وارده نامتعارف و نارواست یا نه.

ویژگیهایی را برای ضرر قابل جبران بر شمرده اند:

۱. ضرر باید مسلم باشد و نه احتمالی و ظنی.
۲. باید مستقیم باشد.
۳. شخصی باشد (یعنی کسی که دعوا اقامه می نماید و ادعای خسارت می کند، باید زیان دیده یا قائم مقام او باشد (مانند وارث).
۴. ضرر باید در نتیجه ی لطمه ای که به حق شخص یا نفع مشروع او وارد شده به وجود آمده باشد. (مانند مثالی که در مورد شرکت در آزمون سراسری بیان شد).
۵. ضرر نباید قبلاً جبران شده باشد.
۶. ضرر باید قابل پیش بینی باشد.

۲- **تقصیر:** تعریفی که برای تقصیر بیان داشتند این است که عمل نامشروع غیرقانونی است گاهی از آن به عمل قابل سرزنش تعبیر می شود. پس اگر عملی قانونی باشد و قابل سرزنش نباشد، تقصیر نیست.



۳- **رابطه‌ی سببیت:** باید بین ضرر و خسارتی که ایجاد شده و فعل زیان باری که از شخصی سر زده رابطه‌ی سببیت وجود داشته باشد. این منطقی و معقول است که هیچ کس مسئول زبانی که از فعل او ناشی نشده، نباید باشد. عوامل مختلفی ممکن است در ورود خسارت نقش داشته باشند و ورود خسارت دارای سبب‌های متعددی باشد مانند قوه‌ی قاهره (مانند سیل، زلزله، باد و ...).

مسئولیت مدنی در حقوق جمهوری اسلامی ایران

در قانون جمهوری اسلامی ایران چندین اصل به مسئولیت مدنی تخصیص داده شده است که در زیر بیان می‌گردد

اصل ۱۷۱ قانون اساسی به صراحت مسئولیت مدنی دولت را مورد پذیرش قرار داده و مقرر می‌دارد: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌گردد و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد».

در اصل ۱۷۳ قانون اساسی، امکان شکایت مردم از دولت پذیرفته شده و مرجع رسیدگی به شکایات نیز به روشنی تعیین شده است و بدیهی است که این به معنای پذیرش اصل مسئولیت مدنی و مالی دولت است. اصل مذکور مقرر می‌دارد: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها یا آیین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تاسیس می‌گردد...»

قانون مسئولیت مدنی مصوب ۰۷/۰۲/۱۳۳۹

ماده ۱: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

ماده ۲: در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم مینماید و چنانچه عمل وارد کننده زیان فقط موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود.



ماده ۳: دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد جبران زیان را به صورت مستمری نمیشود تعیین کرد مگر آنکه مدیون تامین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه قانون آن را تجویز نماید.

ماده ۴: دادگاه میتواند میزان خسارت را در مورد زیر تخفیف دهد.

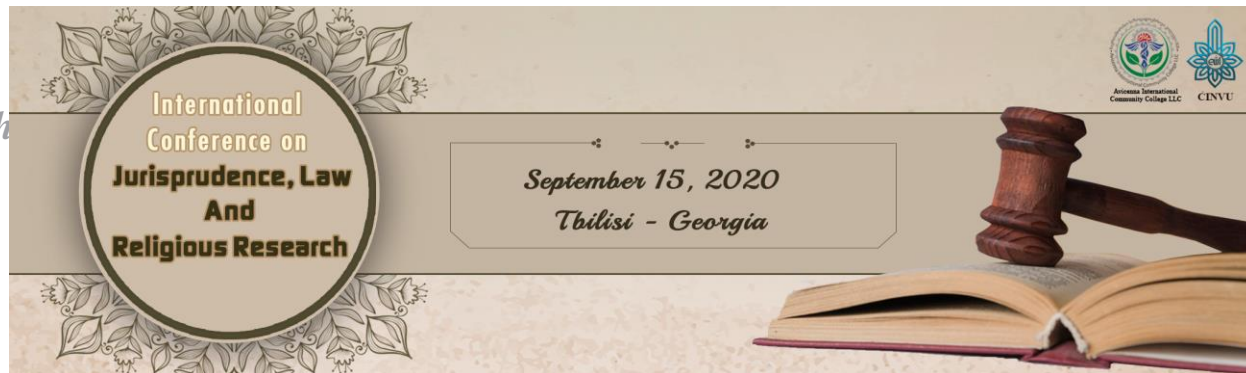
۱ - هر گاه پس از وقوع خسارت وارد کننده زیان به نحو موثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد.
۲ - هر گاه وقوع خسارت ناشی از غفلی بود که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وارد کننده زیان شود.

۳ - وقتیکه زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد.

ماده ۵: اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود وارد کننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است. دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحده تعیین مینماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص اینکه به چه اندازه و تا چه مبلغ میتوان از وارد کننده زیان تامین گرفت با دادگاه است. اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی به طور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدید نظر نسبت بحکم خواهد داشت.

ماده ۶: در صورت مرگ آسیب دیده زیان شامل کلیه هزینه‌ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن میباشد اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد. در صورتی که در زمان وقوع آسیب زیان دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری نماید و در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد وارد کننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب با مدتیکه ادامه حیات آسیب دیده عادتاً ممکن و مکلف بنگاهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند در این صورت تشخیص میزان تامین که باید گرفته شود با دادگاه است. در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل بدنیا نیامده باشد شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت.

ماده ۷: کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او میباشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر میباشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده نباشد.



ماده ۸: کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است. شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسائل مخالف با حسن نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد میتواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید.

ماده ۹: دختری که در اثر اعمال حيله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن حاضر برای همخوابگی نامشروع شده میتواند از مرتکب علاوه از زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید.

ماده ۱۰: کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود میتواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد هر گاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه میتواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.

ماده ۱۱: کارمندان دولت و شهرداری ها و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارد میباشند ولی هر گاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و موسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هر گاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور پرداخت خسارات نخواهد بود.

ماده ۱۲: کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی میباشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط هائی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب مینموده به عمل آورده یا این که اگر احتیاط های مزبور را به عمل میاوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی بود کارفرما میتواند بوارد کننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید.

ماده ۱۳: کارفرمایان مشمول ماده ۱۲ مکلفند تمام کارگران و کارکنان اداری خود را در مقابل خسارات وارده از ناحیه آنان به اشخاص ثالث بیمه نمایند.

ماده ۱۴: در مورد ماده ۱۲ هر گاه چند نفر مجتمعاً زبانی وارد آورند متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد.

ماده ۱۵: کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارات بدنی یا مالی شخص متعددی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد.

فصل ششم - موجبات ضمان



ماده ۴۹۲- جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود.

ماده ۴۹۳- وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده، که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است. حکم این ماده و ماده (۴۹۲) این قانون در مورد کلیه جرائم جاری است.

ماده ۴۹۴- مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود.

ماده ۴۹۵- هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام میدهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه أخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل میشود.

تبصره ۱- در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هر چند برائت أخذ نکرده باشد.

تبصره ۲- ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستانهای مربوطه به اعطای برائت به طیب اقدام مینماید.

ماده ۴۹۶- پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر مینماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است مگر آنکه مطابق ماده (۴۹۵) این قانون عمل نماید.

تبصره ۱- در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف میشود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.

تبصره ۲- در قطع عضو یا جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی طبق ماده (۴۹۵) این قانون عمل میشود.

ماده ۴۹۷- در موارد ضروری که تحصیل برائت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض، طبق مقررات اقدام به معالجه نماید، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست.

ماده ۴۹۸- هرگاه شیئی که توسط انسان یا وسیله نقلیه حمل میگردد به نحوی از انحاء موجب جنایت گردد حمل کننده ضامن دیه است.

ماده ۴۹۹- هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیر عمدی مسؤول است.



ماده ۵۰۰- در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند اینکه در اثر علل قهری واقع شود، ضامن منتفی است.

ماده ۵۰۱- هر گاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او میگردد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات به قصاص یا دیه محکوم میشود.

ماده ۵۰۲- هر گاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیافتد و سبب جنایت شود بر اساس تعاریف انواع جنایت حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم میشود لکن اگر فعلی از او سر نزند و به علل قهری همچون طوفان و زلزله پرت شود و به دیگری برخورد و صدمه به او وارد کند، کسی ضامن نیست.

ماده ۵۰۳- هر گاه کسی دیگری را به روی شخص ثالثی پرت کند و شخص ثالث یا شخص پرت شده بمیرد یا مصدوم گردد در صورتی که مشمول تعریف جنایت عمدی نگردد، جنایت شبه عمدی است.

ماده ۵۰۴- هر گاه راننده ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است در حالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست، بدون تقصیر برخورد نماید، ضامن منتفی و در غیر این صورت راننده ضامن است.

تبصره ۱- در موارد فوق هر گاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تأثیری در حادثه نداشته باشد به گونه ای که تقصیر مرتکب علت جنایت حاصله نباشد، راننده ضامن نیست.

تبصره ۲- حکم مندرج در این ماده در مورد وسایل و ابزارآلات دیگر نیز جاری است.

ماده ۵۰۵- هر گاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون شدن خودرو و یا برخورد آن با موانع، سرنشینان خودرو مصدوم یا تلف شوند در صورتی که سبب حادثه، علل قهری همچون زلزله و سیل نبوده و مستند به راننده باشد، راننده ضامن دیه است. چنانچه وقوع حادثه مستند به شخص حقوقی یا حقیقی دیگری باشد آن شخص ضامن است.

ماده ۵۰۶- تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمیشد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

ماده ۵۰۷- هر گاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است مگر اینکه فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید.



ماده ۵۰۸- هرگاه شخصی یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون را در ملک خویش یا مکانی که در تصرف و اختیار اوست، انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد، ضامن نیست مگر اینکه شخصی را که آگاه به آن نیست به آنجا بخواند و به استناد آن، جنایتی به وی وارد گردد.

تبصره ۱- هرگاه شخص آسیب دیده بدون اذن مالک یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از مالک گرفته، وارد شود و صاحب ملک از ورود او اطلاع نداشته باشد، مالک ضامن نیست مگر اینکه صدمه یا تلف به علت اغواء، سهل انگاری در اطلاع دادن و مانند آن مستند به مالک باشد.

تبصره ۲- هرگاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده دار دیه است مگر اینکه بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست مانند اینکه مرتکب علامتی هشدار دهنده بگذارد یا درب محل را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به علائم یا با شکستن درب وارد شود.

ماده ۵۰۹- هرگاه کسی در معاشر یا اماکن عمومی با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی عملی به مصلحت عابران انجام دهد و اتفاقاً موجب وقوع جنایت یا خسارت گردد، ضامن نیست.

ماده ۵۱۰- هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست.

ماده ۵۱۱- کسی که در ملک خود یا در مکان یا راهی که توقف در آنجا مجاز است توقف کند یا وسیله نقلیه خود یا هر شیء مجاز دیگری را در آنجا قرار دهد و شخصی با آنها برخورد کند و مصدوم گردد یا فوت کند ضامن نیست و چنانچه خسارتی بر او یا مالش وارد شود، برخوردکننده ضامن است.

ماده ۵۱۲- هرگاه شخصی در محله ایی که توقف در آنها مجاز نیست، توقف نماید یا شیء و یا حیوانی را در این قبیل محلها مستقر سازد یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آنها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببیند، شخص متوقف یا کسی که آن شیء یا حیوان را مستقر نموده یا راه را لغزنده کرده است، ضامن دیه و سایر خسارات میباشد مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً با آن برخورد کند که در این صورت نه فقط خسارت به او تعلق نمیگیرد بلکه عهده دار خسارت وارده نیز میشود.

ماده ۵۱۳- هرگاه شخصی را که شبانه و به طور مشکوکی از محل اقامتش فراخوانده و بیرون برده اند، مفقود شود، دعوت کننده، ضامن دیه اوست مگر اینکه ثابت کند که دعوت شده زنده است یا اگر فوت کرده به مرگ عادی یا علل قهری بوده



که ارتباطی به او نداشته است یا اگر کشته شده دیگری او را به قتل رسانده است. این حکم در مورد کسی که با حيله یا تهديد يا هر طريق ديگري، کسی را بربايد و آن شخص مفقود گردد نیز جاری است.

تبصره - هرگاه پس از دریافت ديه، مشخص شود که شخص مفقود زنده است و یا قاتل شناسایی گردد، ديه مسترد میگردد و چنانچه اثبات شود که دعوت کننده شخص مفقود را عمداً کشته است قصاص ثابت میشود.

ماده ۵۱۴- هرگاه در اثر علل قهري مانند سيل و زلزله مانعی به وجود آيد و موجب آسیب گردد، هیچکس ضامن نیست، گرچه شخص یا اشخاصی تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشند و اگر سيل یا مانند آن، چیزی را به همراه آورد ولکن کسی آن را جایی نامناسب مانند جای اول یا در جای بدتری قرار دهد که موجب آسیب شود، عهده دار ديه است و اگر آن را از جای نامناسب بردارد و در جهت مصلحت عابران در جای مناسبتری قرار دهد ضامن نیست.

تبصره ۱- هرگاه مانع مزبور توسط شخصی به وجود آمده باشد تغییر دهنده وضعیت به حالت مناسبتر نیز ضامن نیست.
تبصره ۲- افراد یا دستگاههایی که مسؤولیت اصلاح یا رفع آثار اینگونه حوادث را برعهده دارند، در صورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه، ضامن میباشند.

ماده ۵۱۵- هرگاه قرار دادن کالا در خارج مغازه یا توقف اتومبیل در مقابل منزل و امثال آن عرف و عادت شده باشد، گذارنده کالا یا متوقف کننده اتومبیل در صورت عدم منع قانونی و عریض بودن معبر و عدم ایجاد مزاحمت برای عابران ضامن زیانهای وارده نیست.

ماده ۵۱۶- هرگاه کسی چیزی را در مکانی مانند دیوار یا بالکن ملک خود که قرار دادن اشیاء در آن جایز است، قرار دهد و در اثر حوادث پیشبینی نشده به معبر عام و یا ملک دیگری بیفتد و موجب صدمه یا خسارت شود ضامن منتفی است مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که نوعاً مستعد صدمه یا خسارت باشد.

ماده ۵۱۷- اگر مالک یا کسی که عهده دار احداث ملکی است بنایی را به نحو مجاز بسازد یا بالکن و مانند آن را با رعایت نکات ایمنی و ضوابط فنی که در استحکام بنا لازم است در محل مجاز احداث کند و اتفاقاً موجب آسیب یا خسارت گردد، ضامن نیست.

تبصره- اگر عمل غیرمجاز به گونه ای باشد که نتوان آن را به مالک مستند نمود مانند آنکه مستند به مهندسان ذیربط ساختمان باشد ضامن از مالک منتفی و کسی که عمل مذکور مستند به اوست ضامن است.

ماده ۵۱۸- هرگاه شخصی بنا یا دیواری را برپایه محکم و با رعایت مقرراتی که در استحکام بنا و ایمنی لازم است احداث نماید لکن به علت حوادث پیشبینی نشده، مانند زلزله یا سيل، سقوط کند و موجب آسیب گردد، ضامن نیست و چنانچه دیوار یا بنا را به سمت ملک خود احداث نماید که اگر سقوط کند طبعاً در ملک خود، سقوط میکند لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط نماید و موجب آسیب گردد، ضامن نیست.



ماده ۵۱۹- هرگاه دیوار یا بنایی که بر پایه استوار و غیر متمایل احداث شده است در معرض ریزش قرار گیرد یا متمایل به سقوط به سمت ملک دیگری یا معبر گردد اگر قبل از آنکه مالک تمکن اصلاح یا خراب کردن آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب گردد، ضمان منتفی است مشروط به آنکه به نحو مقتضی افراد در معرض آسیب را از وجود خطر آگاه کرده باشد. چنانچه مالک با وجود تمکن از اصلاح یا رفع یا آگاه سازی و جلوگیری از وقوع آسیب، سهل انگاری نماید، ضامن است.

تبصره - هرگاه دیوار یا بنایی که ساقط شده متعلق به صغیر یا مجنون باشد ولی او ضامن است و اگر بنای مذکور از بناهای عمومی و دولتی باشد، متولی و مسؤول آن ضامن است.

ماده ۵۲۰- هرگاه شخصی دیوار یا بنای دیگری را بدون اذن او متمایل به سقوط نماید، عهده دار صدمه و خسارت ناشی از سقوط آن است.

ماده ۵۲۱- هرگاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری، آتشی روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمیکند و غالباً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جایی دیگر سرایت نماید و موجب خسارت و صدمه گردد ضمان ثابت نیست و در غیر این صورت ضامن است.

ماده ۵۲۲- متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است. ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست.

تبصره ۱- نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، تقصیر محسوب میشود.

تبصره ۲- نگهداری هر وسیله یا شیء خطرناکی که دیگران را در معرض آسیب قرار دهد و شخص قادر به حفظ و جلوگیری از آسیب رسانی آن نباشد، مشمول حکم تبصره (۱) این ماده است.

ماده ۵۲۳- هرگاه شخصی با اذن کسی که حق اذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شیئی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، اذندهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن دهنده نسبت به آسیب رسانی آن علم داشته باشد خواه نداشته باشد.

تبصره - در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آنکه واردشونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذندهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمیشد، ضمان منتفی است.

ماده ۵۲۴- هرگاه کسی که سوار حیوان است آن را در معابر عمومی یا دیگر محلهای غیر مجاز متوقف نماید در مورد تمام خسارتهایی که آن حیوان وارد میکند و مستند به فعل شخص مزبور میباشد ضامن است و چنانچه مهار حیوان در دست دیگری باشد مهارکننده به ترتیب فوق ضامن است.



ماده ۵۲۵- هرگاه شخصی عملی انجام دهد که موجب تحریک یا وحشت حیوان گردد ضامن جنایتهایی است که حیوان در اثر تحریک یا وحشت وارد میکند مگر آنکه عمل مزبور مصداق دفاع مشروع باشد.

ماده ۵۲۶- هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن میباشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بیاختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است.

ماده ۵۲۷- هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد، مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت میشود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیای دم او پردازند.

ماده ۵۲۸- هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مسؤول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هر یک از رانندگان مسؤول یک سوم دیه راننده های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه میباشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه میشود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است.

ماده ۵۲۹- در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.

ماده ۵۳۰- هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید، ضمان منتفی است.

ماده ۵۳۱- در موارد برخورد هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به او است، ضمان ثابت است.

ماده ۵۳۲- در برخورد دو وسیله نقلیه هرگاه رفتار هر دو یا یکی از آنها مشمول تعریف جنایات عمدی گردد حسب مورد به قصاص یا دیه حکم میشود.

ماده ۵۳۳- هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن میباشند.



ماده ۵۳۴- هرگاه بر اثر ایجاد مانع یا سببی دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه با هم برخورد کنند و به علت برخورد آسیب ببینند و یا کشته شوند، مسبب ضامن است.

ماده ۵۳۵- هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب میشود.

ماده ۵۳۶- هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیرمجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران میشود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است.

ماده ۵۳۷- در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصراً مستند به عمد و یا تقصیر مجنی علیه باشد ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست.

فصل هفتم - تداخل و تعدد دیات

ماده ۵۳۸- در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است.

ماده ۵۳۹- هرگاه مجنی علیه در اثر سرایت صدمه یا صدمات غیرعمدی فوت نماید یا عضوی از اعضای او قطع شود یا آسیب بزرگتری ببیند به ترتیب ذیل دیه تعیین میشود:

الف - در صورتی که صدمه وارده یکی باشد، تنها دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر ثابت میشود.

ب - در صورت تعدد صدمات چنانچه مرگ یا قطع عضو یا آسیب بیشتر، در اثر سرایت تمام صدمات باشد، تنها دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر ثابت میشود و اگر مرگ یا قطع عضو یا آسیب بزرگتر در اثر سرایت برخی از صدمات باشد، دیه صدمات مسری در دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر تداخل میکند و دیه صدمات غیر مسری، جداگانه محاسبه و مورد حکم واقع میشود.



ماده ۵۴۰- هرگاه صدمه وارده عمدی باشد و نوعاً کشنده یا موجب قطع عضو یا آسیب بیشتر نباشد لکن اتفاقاً سرایت کند، علاوه بر حق قصاص یا دیه، نسبت به جنایت عمدی کمتر، حسب مورد دیه جنایت بیشتر نیز باید پرداخت شود مانند اینکه شخصی عمداً انگشت دیگری را قطع کند و اتفاقاً این قطع سرایت کند و موجب فوت مجنی^۱ علیه یا قطع دست او گردد، علاوه بر حق قصاص یا دیه انگشت، حسب مورد دیه نفس یا دیه دست مجنی^۲ علیه نیز باید پرداخت شود.

ماده ۵۴۱- هرگاه در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر، آسیبهای متعدد در اعضای بدن به وجود آید چنانچه هریک از آنها در اعضای مختلف باشد یا همه در یک عضو بوده ولی نوع هر آسیبی غیر از نوع دیگری باشد و یا از یک نوع بوده ولیکن در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو باشد، هر آسیب دیه جداگانه دارد.

ماده ۵۴۲- هرگاه در اثر رفتارهای متعدد، آسیبهای متعدد ایجاد شود هر آسیبی دیه جداگانه دارد.

ماده ۵۴۳- در صورت وجود مجموع شرایط چهارگانه ذیل، دیه آسیبهای متعدد تداخل میکند و تنها دیه یک آسیب ثابت میشود:

الف- همه آسیبهای ایجاد شده مانند شکستگیهای متعدد یا جراحات متعدد از یک نوع باشد.

ب- همه آسیبهای در یک عضو باشد.

پ- آسیبهای متصل به هم یا به گونه ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود.

ت- مجموع آسیبهای با یک رفتار مرتکب به وجود آید.

ماده ۵۴۴- هرگاه در اثر یک یا چند رفتار، منافع متعدد زائل یا ناقص شود مانند اینکه در اثر ضربه به سر، بینایی، شنوایی و عقل کسی از بین برود یا کم شود، هریک دیه جداگانه دارد.

ماده ۵۴۵- هرگاه منفعتی قائم به عضوی باشد در جنایت بر آن عضو که منجر به زوال یا اختلال منفعت گردد تنها دیه بیشتر ثابت میشود ولی اگر منفعت قائم به آن عضو نبوده و میان از بین رفتن عضو و زوال منفعت ملازمه نباشد، اگرچه وجود آن عضو در تقویت و تسهیل منفعت مؤثر باشد، مانند لاله گوش و بینی که در تقویت شنوایی و بویایی مؤثرند و به سبب قطع لاله گوش یا بینی، شنوایی یا بویایی نیز زائل یا ناقص گردد، هر کدام دیه جداگانه دارد.

ماده ۵۴۶- چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت، صدمه بزرگتری به وجود آید مانند اینکه با شکستن سر، عقل زائل شود، هرگاه آن جراحت علت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحت واقع شده باشد دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل میکند و تنها دیه زوال یا نقصان منفعت که بیشتر است پرداخت میشود و چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربهای که جراحت را ایجاد کرده است، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارده علت زوال یا نقصان منفعت به گونه ای که لازم و ملزوم یکدیگرند، نباشد و اتفاقاً با آن ضربه و جراحت، منفعت نیز زائل گردد یا نقصان یابد، ضربه یا جراحت و منفعت، هر کدام دیه جداگانه دارد.



ماده ۵۴۷- هرگاه جراحت عمیقی مانند منقله و یا جائفه یکباره واقع شود، تنها دیه همان جراحت عمیق پرداخت میشود و اگر به تدریج واقع شود یعنی ابتداء جراحت خفیفتر مانند موضحه و سپس جراحت شدیدتر مانند منقله ایجاد شود، چنانچه به سبب سرایت جراحت اول باشد تنها دیه جراحت شدیدتر پرداخت میشود و در صورتی که به سبب ضربه دیگری باشد، خواه دو ضربه از یک نفر خواه از چند نفر باشد، هر یک از دو جراحت، دیه جداگانه دارد.

ماده ۵۴۸- در اعضاء و منافع، مقدار ارش یک جنایت، بیش از دیه مقدر برای آن عضو یا منفعت نیست و چنانچه بهسبب آن جنایت، منفعت یا عضو دیگری از بین رود یا عیبی در آنها ایجاد شود، برای هر آسیب دیه جداگانهای تعیین میگردد.

مسئولیت مدنی در فقه

اهمیت این بحث باعث شده است تا اندیشمندان و فقهای علوم اسلامی پیرامون این موضوع به بحث و بررسی پردازند. از اصول معتبر اسلامی که زیربنای بسیاری از تغییرات احکام را تشکیل می دهد، اصل تبعیت احکام اسلامی از مصالح و مفاسد واقعی است. بر اساس آن در جعل هر حکمی مصلحت و یا مفسده ای نهفته است (بحرالعلوم، ۱۳۷۹، ش ۲۳).

براصل شخصی و فردی بودن مسئولیت آیاتی از قرآن مجید دلالت می کند:

۱- و لا تکسب کل نفس الا علیها، و لا تزر وازرة وزر اخری (سوره انعام، آیه ۱۶۴). هیچ کس چیزی نیندوخت مگر بر علیه خود، و هیچ نفسی بار دیگری را به دوش نمی گیرد.

۲- من اهتدی فانما یهتدی لنفسه، و من ضل فانما یضل علیها، و لا تزر وازرة وزر اخری (سوره اسراء، آیه ۱۵) هر کس راه هدایت یافت تنها به نفع و سعادت خود یافته است و هر که به گمراهی شتافت او هم به زیان و شقاوت خود شتافته است و هیچ کس بار عمل دیگری را به دوش نگیرد.

۳- و لا تزر وازرة وزر اخری (سوره فاطر، آیه ۱۸ - سوره زمر، آیه ۷) هیچ کس بار عمل دیگری را به دوش نمی گیرد.

۴- کل امری بما کسب رهین (سوره طور، آیه ۲۱) هر نفسی در گرو عملی است که خود اندوخته است.

۵- کل نفس بما کسبت رهینه (سوره مدثر، آیه ۳۸) هر نفسی در گرو عملی است که انجام داده است.



اولین و مهمترین روایت که صریحاً بر مراد ما دلالت می کند و مورد استناد بسیاری از فقیهان قرار گرفته است (جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۷۹) و از جهت سند نیز معتبر است، روایتی که از امیر المؤمنین علی «علیه السلام» وارد شده است، روایت چنین است:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: قَضَىٰ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ أَنْ مَا أَخْطَأْتَ الْقَضَاءُ فِي دَمٍ - أَوْ قَطَعَ فَهُوَ عَلَىٰ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ. (وسائل الشیعة؛ ج ۲۷، ص: ۲۲۶)

هر گاه قضات، در قتل یا قطع عضو دچار خطا شوند، دیه و جبران خسارت آن به عهده بیت المال مسلمین است. در روایت دیگری امام صادق «علیه السلام» فتوا دهنده را در بیان نظریه خویش ضامن و مسؤول شناخت، همچنین امام علی «علیه السلام» در عهد نامه خویش به مالک اشتر امر فرمود که دیه قتل خطائی را پردازد (نهج البلاغه، نامه ۵۳) که بر اساس آن مسؤولیت مدنی شامل همگان می شود و مسؤول ساختن شخص و منصبی از ارج و اقتدار او نمی گاهد. صاحب جواهر الکلام در مورد مسؤولیت دولت اسلامی در جبران خسارت ناشی از اشتباه قضات، چنین توضیح می دهند: «... لم یضمن لانه محسن و کان علی بیت المال بلاخلاف أجده فيه نصاً و فتوی، قال امیر المؤمنین علیه السلام فی خبر الأصبغ: «ما أخطأه القضاء فی دم أو قطع فهو علی بیت مال المسلمین» [وسائل، ج ۲۷، ص ۲۲۶] (جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۷۹)

۱- قاعده اتلاف:

بر اساس این نظریه شایع در فقه که به «قاعده اتلاف» شهرت دارد که عبارت «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» بیانگر آن است؛ یعنی «هر کس مال دیگری را تلف کند، مسؤول جبران آن است». در این نظریه بعضی از فقیهان آن را قاعده عقلایی و بدیهی دانسته اند. نراقی در عناوین می گوید اثبات این که اتلاف موجب ضمان است، نیازی به بیان ادله ندارد. (الحسینی المرآعی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۲، ص ۴۳۴) صاحب جواهر در این مورد می گوید اگر این مطلب را ضروری ندانیم قطعاً اجماع منقول و محصل در مورد آن دلالت دارد. (نجفی، بی تا، ج ۳۷، ص ۴۶)

در روایت زیر سبب مسؤولیت، اتلاف معرفی شده است:

عن النبی (ص): «من اخرج میزاباً او کنیفاً او اوتد و تداً او اوثق دابه او حفر شیئاً فی طریق المسلمین فاصاب شیئاً فعتب فهو له ضامن»

«هر کس ناودانی یا گودالی در راه مسلمین ایجاد کند، یا میخ یا افسار مرکبش را بکوبد، یا چاهی در راه مسلمین حفر نماید و کسی به آن‌ها اصابت کند و به زمین افتد، ضامن است.» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۹، باب ۱۱؛ نجفی، بی تا، ج ۴۲، ص ۱۲۰) و روایاتی است که متضمن مسؤولیت شخصی است که غیر مستقیم موجب بروز خسارت گردیده است:

ابی الصلاح از امام صادق (ع) نقل می نمایند که:



«کل من اضر بشی بطریق المسلمین فهو له ضامن» هرکس به واسطه چیزی به راه مسلمانان آسیبی برساند ضامن است. (الحسینی المراغی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ج ۲، ص ۴۴۵) محقق کرکی می گوید:

«و تضمن الراعی بتقصيره بان ینام عن السائمه او یغفل عنها... او یسلک بها موضعاً یتعرض للتلّف». (کرکی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۷، ص ۲۸۱)

«چوپان ضامن تلقی می گردد به واسطه تقصیری که در مورد گوسفندان مرتکب شود، به این صورت که با خوابیدن یا غافل شدن (آسیبی به گوسفندان برسد) یا این که گوسفندان را از مسیری ببرد که در معرض تلف قرار گیرند.»

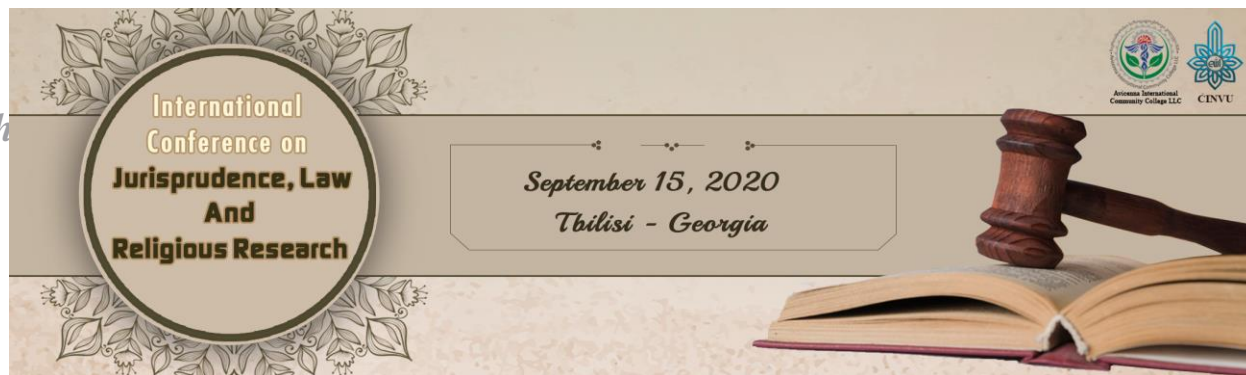
۲- قاعده تسبیب: بر اساس این نظریه، هرگاه شخصی جسم یا مالی را به طور مستقیم تلف نکند، ولی سبب تلف آن گردد، کار او را اتلاف به تسبیب گویند و ضامن خسارتی خواهد بود که از این راه به بار می آید. بنابراین در این نظریه، اثبات رابطه سببیت اهمیت ویژه‌ای دارد. در تسبیب به خلاف اتلاف، تقصیر شخص بایستی ثابت شود و بدون تقصیر ضمانی وجود نخواهد داشت و تسبیب در صورتی ضمان آور است که در نظر عرف تجاوز باشد.

۳- قاعده لاضرر: قاعده «لا ضرر» کاربرد فراوانی در فقه دارد. در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله و علیه و آله دارد که فرمودند: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» یعنی در دین اسلام نه به خود و نه به دیگران تمی توان ضرر وارد ساخت. مرحوم شیخ انصاری در رساله ارزشمند «قاعده نفی ضرر» بعد از ذکر این نکته که مقصود از عبارت «لا ضرر» معنای حقیقی آن بدین معنا که هیچ ضرری در اسلام وجود ندارد نیست، چرا که بالوجدان ضرر در خارج وجود دارد، سه قول را در تبیین قاعده نقل می کند:

- ۱- مقصود، نهی از ضرر زدن به دیگران است، بنابراین معنای آن تحریم فعل زیانبار است.
- ۲- مراد نفی وجود ضرر جبران نشده است، بنابراین اتلاف مال دیگران، بدون جبران خسارت آن ضرری است بر صاحب آن که باید جبران شود (عوائد الایام، ۱۳۴۵ ص ۱۸).
- ۳- مقصود نفی حکم ضرری است، بدین معنا که هیچ حکمی در اسلام وضع نشده است که موجب زیان بندگان خدا گردد. (المطبوع فی کتاب المکاسب ص ۳۷۲).

نتیجه گیری

به دلیل اسلامی بودن حکومت جمهوری اسلامی ایران و براین مبنا که پایه و اساس حکومت جمهوری اسلامی ایران فقه و شریعت می باشد قوانین موضوعه به احکام دین اسلام نزدیک و بلکه از آن گرفته شده است. در نظام حقوقی ما، قوانین مربوط به مسئولیت مدنی پراکنده است. بخشی از قواعد مسئولیت مدنی در قانون مدنی آمده است. قواعد اتلاف و تسبیب که



اکثر قوانین مسولیت مدنی ما بر اساس آن نوشته شده، ریشه در فقه دارد. در سال ۱۳۳۹، قانون مسولیت مدنی به تصویب رسیده است که مقررات قانون مدنی را در حوزه‌ی خسارت‌های جسمی و معنوی بیان می‌کند همچنین در قانون مجازات اسلامی در کتاب دیات مصوب سال ۱۳۹۲، در مواد ۴۹۲ تا ۵۴۸، موجبات ضمان را پیش‌بینی نموده است و احکام و قواعد را برای حوزه‌ی مسولیت مدنی بیان نموده است. در قانون جمهوری اسلامی ایران بیان شده است که هیچ ضرر و خسارتی به شخص نباید بدون جبران باقی بماند که می‌توان به قواعد "لاضرر و تکافل" که از حدیث نبوی "لاضرر و لا ضرار فی الاسلام" استنباط شده است اشاره نمود و بدین معنی می‌باشد که هیچ ضرر و زیانی نباید بدون تدارک و جبران بماند. اضرار به غیر و یا خسارت وارد به دیگران موجب ضمان و مسولیت مدنی می‌شود و عامل زیان را مکلف به جبران آن می‌سازد. بر این اساس هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم در فقه اسلامی به خوبی به آن توجه شده است.



منابع

قرآن کریم

- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ ۲۹، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۸۴.
- بادینی، حسن (۱۳۸۴)، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ اول ۱۳۸۵.
- بحرالعلوم، سید محمد (۱۳۷۹)، «نقدی به دیدگاههای سید عبدالعلی سبزواری»، فصلنامه فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، ش ۲۳.
- بهرامی احمدی، حمید، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۹، قم، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹، چاپ اول.
- الحسینی المراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ هـ.ق)، العناوین الفقهیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ژردن پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، جلد دوم، تهران، ۱۳۸۵.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷، چاپ اول.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰، چاپ اول.
- قماشی، سعید (۱۳۸۶)، جایگاه عقل در استنباط احکام شرعی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، مسئولیت مدنی (ضمان قهری)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم با تجدیدنظر، دوره دوجلدی.
- کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات شرکت سهامی، ۱۳۹۴.
- کرکی، علی بن الحسین (۱۴۰۸ هـ.ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷، چاپ چهارم.
- موسوی الخویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ هـ.ق)، مصباح الفقاهه، تقریر محمدعلی توحیدی، قم: انصاریان.
- نجفی، محمد حسن (بی تا)، جواهر الکلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق شیخ عباس قمی قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نجومیان، حسین، زمینه حقوق تطبیقی در نظام های حقوق اسلامی، فرانسه، انگلیس، روسیه، ۱۳۴۸.
- نراقی، احمد، ۱۳۴۵ عوائد الایام: قم: مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۸ ق.
- یزدانیان، علیرضا، قلمرو مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات اوبستان، جلد اول، ۱۳۸۸.